

بسم الله الرحمن الرحيم

زبان قرآن

(ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن)

دکتر ابوالفضل خوش منش
(عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

دستیار پژوهش: سید حسام قریشی

تابستان ۱۳۹۸

دانشگاه
علوم قرآن و حدیث

خوش‌منش، ابوالفضل، ۱۳۴۸ -
 زبان قرآن: ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن / ابوالفضل خوش‌منش؛ [برای] وزارت علوم تحقیقات و فناوری مرکز
 هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸.
 ده، ۲۰۴ ص: نمودار. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۸۵: قرآن پژوهی: ۶۰)
 بها: ۲۱۰۰۰۰ ریال
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
 کتابنامه. ص. [۱۷۷] - ۱۹۱: همچنین به صورت زیرنویس.
 نمایه.
 ۱. قرآن -- مسائل لغوی. ۲. Qur'an -- Language, Style. ۳. قرآن -- مسائل ادبی. ۴. Qur'an as literature.
 ۵. قرآن -- بررسی و شناخت. ۶. Qur'an -- Surveys. ۷. زبان‌شناسی. ۸. Linguistics. الف. ایران. وزارت علوم، تحقیقات
 و فناوری. مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور. ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. عنوان.
 BP۸۲/۲
 ۲۹۷/۱۵۳
 شماره کتابشناسی ملی
 ۵۷۴۷۲۷۵



زبان قرآن؛ ماهیت، هویت، جایگاه و آموزش آن

مؤلف: دکتر ابوالفضل خوش‌منش

ناظر: دکتر علی شریفی

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۸

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۲۱۰۰۰ تومان

این اثر با حمایت مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور تدوین شده و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰

(انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶



سخن مرکز

علوم قرآن و حدیث، رشته دیرپای دانشگاهی است که عزت انتساب آن به قرآن کریم و حدیث شریف موجب شده تا جامعه، انتظارات علمی، ارزشی و حتی عاطفی ویژه‌ای از آن داشته باشد. از این رو «مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور» با هدف تحول و تعالی نظام تولید علم و تربیت نیروی انسانی قرآنی متناسب با نیاز کنونی جامعه اسلامی، بازنگری و تجمیع برنامه‌های درسی دوره کارشناسی رشته علوم قرآن و حدیث را در دستور کار قرار داد.

انجام این مأموریت با مشارکت صاحب‌نظران علوم قرآن و حدیث و زمینه‌های مرتبط، پنج سال به طول انجامید که حاصل آن، برنامه درسی مشتمل بر ۱۰۰ واحد مشترک و شش مجموعه اختیاری ۳۵ واحدی با عناوین «مطالعات قرآن»، «مطالعات حدیث»، «تربیت دبیر آموزش قرآن و حدیث»، «تربیت مربی آموزش قرآن و حدیث»، «هنرهای قرآنی (قرائت و کتابت)» و «فرهنگ و رسانه» است.

نقشه راه این تحول ضروری می‌نمود که در برنامه‌های رشته نیز، طراحی و تدوین شود. این کار با شناسایی و جلب مشارکت استادان بسیاری از گروه‌های آموزشی کشور و با مدیریت «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» و «دانشگاه قرآن و حدیث» انجام شد.

این اقدامات، نخستین گام در ارتقای محتوا و انسجام درونی این رشته بود که بی‌گمان از نقص و نارسایی مبرا نیست. امید می‌رود این برنامه و درسنامه‌های آن مورد عنایت استادان و دانشجویان گرامی قرار گیرد و با نظرات مشفقانه و انتقال تجربیات اجرای آن، این مرکز را در بازنگری مجدد برنامه کارشناسی و بازطراحی مقاطع تحصیلات تکمیلی همراهی کنند.

مرکز هماهنگی و توسعه

پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی «ره» بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۴۸۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان کتاب درسی در زمینه مطالعات قرآنی برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث و تفسیر در مقطع کارشناسی فراهم شده است؛ البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌دانند از تلاش‌های نویسنده محترم اثر، دکتر ابوالفضل خوش‌منش و نیز از ناظر محترم اثر، دکتر علی شریفی سپاسگزاری کند. همچنین از نقش حمایتی مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور و تلاش‌های اعضای محترم کارویژه مدیریت تدوین درسنامه‌های قرآنی و همه عزیزانی که در آماده‌سازی و انتشار این اثر نقش داشته‌اند؛ سپاسگزاری می‌شود.

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱

فصل اول: مروری بر اوضاع شبه‌جزیره عربستان در عصر بعثت

مقدمه.....	۱۲
قشر فرهنگی در شبه‌جزیره.....	۲۰
۱. شاعران.....	۲۱
۲. کاهنان.....	۲۱
۳. خطیبان و سخنوران دیگر.....	۲۲
ظهور کلام خدا.....	۲۳
تمایز کلام خدا از شعر شاعران.....	۳۰
پرسش و پژوهش.....	۳۴

فصل دوم: جایگاه و نقش زبان در زندگی انسان

مقدمه.....	۳۵
برخی کاربردها و کارکردهای زبان در دنیای امروز.....	۳۶
۱. زبان، ابزاری برای اندیشه و ابزار آن.....	۳۷
۲. زبان، رابطی میان درون و برون.....	۴۱
۳. زبان، سنجه‌ای برای هوش فردی و راه شناخت ذهنی.....	۴۲
۴. زبان، پایه فرهنگ جمعی و تفاهم و تحکیم روابط انسانی.....	۴۲
۵. زبان، مایه آفرینش‌های ادبی و هنری.....	۴۵
۶. زبان، ابزاری برای سلطه و نفوذ نرم.....	۴۶
۶-۱. نمونه‌های تاریخی نقش زبان در آماده‌سازی امنیت کشورها.....	۴۶
پرسش و پژوهش.....	۵۴

فصل سوم: تکوین زبان و برخی از ویژگی‌های آن

مقدمه	۵۵
موضوع پیدایش زبان در متون کهن	۵۸
تجلی خدا در «زبان»	۶۳
زبان، پدیده‌ای فطری	۶۴
مروری بر مفهوم فطرت	۶۴
مفهوم فطری بودن زبان	۶۶
جهانی‌های زبانی و زبان‌های جهانی	۷۳
پرسش و پژوهش	۷۸

فصل چهارم: زبان قرآن، تکوینی الهی یا بشری؟

مقدمه	۷۹
مراد از لسان مُبین	۸۲
سیمای زبان قرآن در آینه چهار سوره پیاپی	۸۵
سوره شعراء	۸۵
سوره نمل	۸۷
پژوهش کنید	۸۹
سوره قصص	۸۹
سوره عنکبوت	۹۰
یکی‌انگاری زبان قرآن و زبان عربی	۹۱
دو عامل تصوّر فضیلت برای زبان عربی	۹۶
۱. عامل سیاسی	۹۶
۲. عوامل زبانی	۹۸
جغرافیای نزول قرآن	۱۰۲
تأثیر زبان قرآن بر زبان و فرهنگ عربی	۱۰۸
نسبت زبان عربی با فهم قرآن	۱۱۴
پرسش و پژوهش	۱۱۶

فصل پنجم: برخی از ظرفیت‌های زبان قرآن در زمان حاضر

مقدمه	۱۱۹
زبان توحیدی	۱۲۰
فهم و کاربرد همگانی	۱۲۲
برتری از مرحله نزاع‌های زبانی و نژادی	۱۲۵
بهره‌مندی از ثبات و ماندگاری	۱۳۰
زبان ضمیر و اندیشه انسانی	۱۳۲

زبان تمثیل انسانی	۱۳۷
پرسش و پژوهش	۱۴۱

فصل ششم: موضوع آموزش زبان قرآن

مقدمه	۱۴۳
زبان قرآن، پایه آموزش	۱۴۴
نظام اصطلاحات قرآنی، پایه بازتعریف مفاهیم دینی	۱۵۰
زبان قرآن و موضوع ترجمه آن	۱۵۱
آموزش زبان در کشور ما	۱۵۷
رویکرد زبان آموزانه به قرآن	۱۶۱
ذکر برخی اصول در آموزش زبان قرآن	۱۶۱
۱. إقراء و استماع	۱۶۲
۲. تصریف اجزای قرآن	۱۶۴
۱-۲. تصریف کلمه‌ای	۱۶۴
۲-۲. تصریف آیه‌ای	۱۶۵
۳-۲. تصریف سوره‌ای	۱۶۵
۳. آغاز از پایان قرآن	۱۶۶
۴. سهولت و آسان‌گیری	۱۶۸
۵. گفتن و نوشتن به زبان قرآن	۱۷۲
پرسش و پژوهش	۱۷۶

منابع و مآخذ

منابع فارسی و عربی	۱۷۷
منابع لاتین	۱۸۹
فهرست واژگان	۱۹۳

نمایه‌ها

نمایه آیات	۱۹۵
نمایه روایات	۱۹۹
نمایه اشعار	۲۰۱
نمایه اصطلاحات	۲۰۲
نمایه اشخاص	۲۰۳

فهرست نمودارها، نقشه‌ها و جدول‌ها

نمودار ۱: برخی از اشارات قرآن به موضوع خواندن و نوشتن در سالیان آغازین اسلام.....	۱۹
نمودار ۲: قشرهای فرهنگی شبه‌جزیره عربستان هنگام نزول قرآن.....	۲۴
نمودار ۳: برخی مقومات هنری در زبان قرآن.....	۳۳
نمودار ۴: تأثیرپذیری جهان‌بینی کودک از زبان.....	۴۰
نمودار ۵: زبان و دیگر عوامل کمکی به‌عنوان ابزاری برای سلطه و سیطره نرم.....	۵۱
نمودار ۶: نمونه‌هایی از کارکردهای زبان در دنیای امروز.....	۵۳
نمودار ۷: در هم تنیدگی تعلیم قرآن با دیگر امور.....	۵۷
نمودار ۸: پدیده‌های مورد اشاره در آیات ۲۰-۲۵ و ۴۶ سوره روم.....	۶۵
نمودار ۹: تعریف فطرت از نظر قرآن.....	۷۰
نمودار ۱۰: تعریف فطرت از منظر اندیشه غیر دینی.....	۷۰
نمودار ۱۱: نمونه‌هایی از ویژگی‌های هر انسان بر بستر اشتراک‌های جامعه بشری و شباهت‌های جهانی	
پدیده‌های یادشده.....	۷۶
نمودار ۱۲: چرخه میان کتاب و کتاب‌مبین و قرآن عربی و حکم عربی.....	۸۴
نمودار ۱۳: عوامل مؤثر در تلقی زبان عربی به‌عنوان زبان برتر در سده‌های نخستین.....	۹۸
نمودار ۱۴: برخی عوامل وقوع ترادف در واژگان.....	۱۰۱
نمودار ۱۵: برخی تأثیرات زبان قرآن بر فرهنگ و زبان عربی.....	۱۱۱
نمودار ۱۶: عوامل مؤثر در تغییرات زبان.....	۱۳۱
نمودار ۱۷: برخی ظرفیت‌های قرآن کریم.....	۱۴۷
نمودار ۱۸: اصول بنیادین در آموزش زبان قرآن.....	۱۶۳
نمودار ۱۹: ذکر اصول مهم در آموزش زبان قرآن.....	۱۷۶
نقشه ۱: بخشی از کشورهای حوزه دریای مدیترانه و جغرافیای ظهور ادیان در ناحیه شرق آن.....	۱۰۴
نقشه ۲: وسعت قلمرو عباسیان در حدود سال ۲۳۶ق.....	۱۲۴
جدول شماره ۱: حضور مفهوم کلمه در متون مقدس برخی از ادیان.....	۶۳
جدول شماره ۲: نمونه آیات مرتبط با موضوع آموزش قرآن.....	۱۶۲



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ ۝ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ۝
عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ۝ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۝
وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۝ وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۝

(رحمان، ۱-۷)



پیشگفتار

هدف کتاب پیش رو، بیان برخی ویژگی‌هایی است که زبان الهی قرآن را از زبان بشر متمایز و ممتاز می‌سازند؛ همچنین این کتاب به پاره‌ای از ظرفیت‌های بزرگی که این زبان در دنیای امروز دارد و جهان اسلام می‌تواند از آن بهره‌مند شود، اشاره می‌کند.

جایگاه و حضور حقیقت قرآن در امّ الکتاب و نزد پروردگار متعال، موضوع بحثی جداگانه است، اما ظاهر قرآن، چیزی جز زبان ندارد؛ همان‌گونه که اصل دریا به آب آن است؛ و اگر زبان قرآن از آن گرفته شود و برای نمونه، به زبان دیگری درآید، مانند آن است که آب از دریا گرفته شود، در این صورت البته چیزهایی در قعر آن باقی خواهد ماند.

از میان نام‌ها و تعبیرهایی که خداوند متعال برای کتاب خود –همچون قرآن، کتاب، ذکر، کلام و لسان– به کار برده، در کتاب پیش رو، بر جنبه اخیر، یعنی بر جنبه لسانی و زبانی آن توجه شده است. در برخی پژوهش‌های دینی ما، قرآن صرفاً به مثابه یک نص، معادل یک Text تلقی شده، دامنه نگرش به این کتاب از آن فراتر نرفته و بر ابعاد زبانی آن توجه نشده است.

تأکید بر جنبه لسانی و زبانی قرآن کریم از باب ضرورت و اهمیت تعلیم قرآن به مثابه یک زبان است تا از رهاورد و به مدد آن، شاکله زبان و بیان قرآن‌آموز فعال شود و قلب و اندیشه وی تحت تأثیر آن قرار گیرد. با نپیمودن این مسیر، قرآن کریم بسیاری از کارکردها و آثار خود را –آن‌گونه که در زمان رسول رحمت ﷺ و قرن‌های پس از ایشان بر مسلمانان ملیت‌ها و زبان‌های مختلف بر جای نهاد– نخواهد داشت و بر جای نخواهد گذاشت.

این کتاب برای مخاطبانی نگاشته شده که آشنایی نسبتاً خوبی با قرآن کریم دارند و هدف آن نیز وقوف بیشتر مخاطبان به ضرورت رجوع مستقیم به متن قرآن و بهره‌گیری از آن است؛ از این‌رو، اصراری بر افزودن بر حجم مطالب با ذکر ترجمه همه آیات وجود نداشته و در حد ضرورت به برداشت‌هایی از آیات با استفاده از نظر تفسیر المیزان اشاره شده است؛ در پاره‌ای موارد دیگر نیز به مضمون آیات در ضمن مطالب قبل یا بعد آنها اشاره شده است.

نکته مهمی که آوردن آن در اینجا لازم می‌نماید آن است که زبان قرآن همانند هر زبان دیگر، زمانی اثربخشی‌های مشروح خود را در این کتاب خواهد داشت که در آغاز درست آموزش داده شود و پس از آن و با نشستن بر ذهن و زبان، در بیان و بنان فراگیرنده آن جریان یابد. جاری شدن زبان قرآن بر ذهن و زبان مردمان، عاملی مؤثر و آسان در اصلاح معنویت و اخلاق انسان خواهد بود. چنین هدفی، وظیفه و اجر معلّم و متعلّم قرآن را سنگین‌تر می‌کند؛ از این‌رو، انتظار آن است که برخی بخش‌های کتاب پیش‌رو، براساس اقتضا، از سوی استادان ارجمند با عنایت و نظر بیشتر تدریس شوند و دانشجوی گرامی نیز از تلاوت قرآن در فرصت‌های مقتضی روز و شب^۱ غافل نباشد و آنچه را از قرآن کریم به تدریج به دست می‌آورد در متن زندگی، نماز، مناجات و نیز تحقیق، تفکر و تمثیلات خویش به کار گیرد.

نگارنده بر خود لازم می‌داند از بذل توجه استادان عزیز و دوستان ارجمندی که در این نگاشته نگرستند و به نکته‌های سودبخش و ارزشمندی اشاره کردند، صمیمانه تشکر کند؛ به‌ویژه برادر عزیز، آقای سیدحسام قریشی که از هیچ کوششی در نمونه‌خوانی و تصحیح‌های سخت و مکرر کتاب و نیز تهیه و تنظیم نمودارها، فهرست‌ها، نمایه‌ها و تطبیق و بررسی ارجاعات فرونگذاشت. جزاهم الله عن القرآن خیر الجزاء.

سازمان محتوا

جهت آشنایی بهتر با مفاهیم بنیادین این کتاب، در اینجا فشرده‌ای از محتوای آن در قالب گزاره‌هایی کوتاه می‌آید:

- قرآن در تعریفی کوتاه، کلام الله است. این تعریف جامع و مانع است. هیچ کتاب دیگری در جهان وجود ندارد که بتوان آن را کلام الله و سخن مستقیم خدا نامید؛ پیروان ادیان دیگر نیز چنین ادعایی درباره کتاب‌های مقدس خود ندارند؛

۱. آناء اللیل و اطراف النهار.

- تجلّی قرآن برای انسان‌ها در قالب یک زبان است و کتاب پیش رو از کتاب خدا به مثابه یک زبان سخن می‌گوید و در تبیین دستاوردهایی می‌کوشد که از رهاورد نگاه به قرآن به عنوان یک زبان و کاربست آن، می‌تواند نصیب امت اسلامی و عائله بشری بشود. هر مجموعه‌ای، مثلاً یک رایانه، زبان خود را دارد و برای ارتباط‌گیری و استفاده از آن، باید خصوصیات آن زبان و نظام مناسبات آن را در نظر گرفت. زبان قرآن، خود دستگاه و مجموعه‌ای منحصربه‌فرد با نظامی ویژه درون آن است و باید این امر مهم را از آغاز تعامل با آن در نظر داشت؛
- قرآن، دارای ویژگی‌ها و اوصاف فراوانی است و روشن است که سخن گفتن از جنبه و وصفی از کلام خدا، نافی اوصاف دیگر آن نیست؛ قرآن به همان اندازه که یک زبان است، نور، هُدی، شفا و رحمت هم هست. همه اشیا با نور شناخته می‌شوند و شناسایی خود نور نیز با نور حاصل می‌آید، زبان، پدیده‌ای است که معرفت در آینه آن حاصل می‌شود و وقتی نوبت به تعریف خود زبان برسد، آن را هم باید با زبان شناخت. این اوصاف درباره زبان خدا نیز که نور مطلق است، به طریق اولی صادق است؛
- قرآن کریم بنابر اشارت‌ها و تصریح‌های متعدد خود و از جمله آنچه در آیه ۱۷۴ سوره نساء و طلیعه سوره زخرف آمده است، نور و حقیقت حاضر در اُمّ الکتاب و علم خداوند متعال است و ذات الهی آن را به سوی زمین تنزیل کرده و فروفرستاده است. این کتاب، یک متن عادی و ایستا در گوشه‌ای از تاریخ و جغرافیا یا صرفاً مجموعه‌ای از گزاره‌ها نیست، بلکه کلام و آگاهی‌نامه خداوند خَلّاقِ علیم عَلّامُ الغیوب در لباسِ زبانی درخور فهم و تحصیل برای عموم بشر است و البته این توان خدای بزرگ است که به زبان خود برای انسان و در قالب بیانی که خود به وی آموخته است، سخن بگوید و آنچه را او بدان نیاز دارد، در قالب یک متن زنده و منسجم و در حجم یک کتاب متوسط در اختیار وی قرار دهد تا دستگاه تکلم وی بتواند بدان گویا شود و دستگاه اندیشه و روح او نیز نیازهای خود را در گذر زمان و گستره مکان، در فضای آن بجوید. اجزای این کتاب، از الفاظ و عبارت‌ها تا آیات و سوره‌ها، براساس نظامی زنده و سیال که خداوند متعال در آن تعبیه کرده است، با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این نظامی الهی و بنیانی مستحکم از تعهد و تضامُن و تداعی مستمرّ است؛ به این معنا که اجزای مختلف این کتاب نسبت به یکدیگر ضمانت دارند و همواره، همدیگر را تبیین و تفسیر می‌کنند. تفسیر قرآن، بنابر تعالیم قرآن و اهل بیت، جز از خود قرآن به دست نمی‌آید؛

- این مانده و مأذبه الهی (خوان گسترده و ادبستان خداوند) زبانی پرلایه و پَرظرفیت است که به تصریح پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام)، عمق آن پایان نمی‌پذیرد و بر زیبایی‌های آن رنگ کهنگی نمی‌نشیند؛ سطوح مختلف این کتاب برای طبقات مختلف عائله بشری، به‌طور سهل و ممتنع، افاده و افاضه می‌کند. در سخن اهل بیت (علیهم السلام) برای سطوح مختلف و درجات دلالت این زبان آمده است: «کتاب الله على أربعة أشياء: العبارة والإشارة واللطائف والحقائق فالعبارة للعوام والإشارة للخواص واللطائف للأولياء والحقائق للأنبياء»؛ احسائی^۱
- زبان از پنهانی‌ترین لایه‌های وجود انسان برمی‌خیزد و در عین حال به اعماق جان او نفوذ می‌کند، به صورت خودآگاه و ناخودآگاه، اندیشه وی را تحت تأثیر می‌دهد و فرهنگ و جهان‌بینی او را شکل می‌بخشد. امروزه تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم، دور و نزدیک و پیدا و پنهان زبان بر مقوله‌هایی همچون اندیشه، خلق و خو، فرهنگ، سبک زندگی، الگوی مصرف، اقتصاد، سلطه و سیاست و دیگر مظاهر تمدنی کمابیش آشکار است؛ زبان قرآن نیز اگر به شکل درست آموزش داده شود و جایگاه شایسته خود را در نظام‌های فکری و فرهنگی بیابد، می‌تواند نقش‌ها و کنش‌های اشاره شده را بیش از هر زبان دیگری با جوهره الهی و در هیئت انسانی همراه داشته باشد؛
- قرآن کریم از چندلایگی زبان، ژرفای بطون کلام، زیبایی‌های حقیقت‌مند بلاغت، موسیقی لطیف و انتلاف لفظ و معنا در حدّ کمال بهره برده، اما هیچ‌گاه به شعر نگراییده است؛ بُن‌مایه شعر، خیال است و از مبالغه و تصرّفات شاعرانه بهره می‌گیرد، اما تنزیلِ خداوند عزیز حکیم، از صناعات و مبالغه‌ها و احیاناً گزافه‌گویی‌های شاعران روزگار بی‌نیاز بوده و برکنار مانده است. قرآن به شعر نبودن خود تصریح و در عوض بر ماهیت انذار و احیاگری خویش تأکید می‌کند: «وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ * لِيُذَكِّرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ» (یس، ۶۹-۷۰)؛
- قرآن قول فصل و سخن حق است و همه آنچه در دستگاه حق و باطل یا حقیقت و مجاز انسانی ممکن است در نظر آید، با آن سنجیده می‌شود و قرآن با مبدأ دیگری سنجیده نخواهد شد؛
- زبان خدای بزرگ، در عین حالی که قوی ثقیل است، قوی مُیسّر و آسان شده نیز هست:

۱. احسائی، عوالی اللآلی العزیزة فی الاحادیث الدینیة، ج ۴، ص ۱۰۵.



«إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمل، ۵)؛

«لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (حشر، ۲۱)؛

«وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ» (قمر، ۳۲)؛

«فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (دخان، ۵۸).

- زبان قرآن – کلام الله – سخن خدا در کسوت زبان عربی است؛ اما این، یک زبان عربی ساخته شده در فضای عربستان و عربی مصطلح دیروز و امروز نیست. عرب معاصر نزول قرآن، با قرآن ارتباط گرفت و از آن بهره برد، اما به سبک آن سخن نمی گفت، چنان که عرب امروز نیز چنین شیوه ای ندارد. زبان قرآن، زبان مادری کسی نیست؛ دیگران، تعلقات گوناگونی به این زبان دارند، اما این زبان تعلقی به کسی ندارد؛ همچنین هیچ قومی و زبانی حقی بر این زبان ندارد، اما این زبان الهی بر زبان انسان حق دارد و آثار مستقیم و غیر مستقیم بسیاری بر زبان و اندیشه و دانش انسان نهاده است. اعراب عصر نزول – که دشمنان کینه ورزی از میان ایشان در برابر قرآن و رسول اکرم ﷺ صف آرای کرده بودند – نتوانستند سوره ای به سان قرآن بیاورند، همان گونه که دوست و دشمن در گذر زمان، از چنین کاری ناتوان ماندند. همچنین صرف و نحو عربی پس از نزول قرآن تدوین شد و سخن و گویش گروه بسیاری از اعراب را به سلک قاعده و قانون کشید؛ رویش درخت صرف و نحو عربی پس از طلوع آفتاب قرآن بود و قواعد آن نیز به جهت اثرپذیری از گویش و اندیشه و زندگی اعراب، انطباق کاملی با زبان قرآن نیافت؛
- زبان قرآن، تأسیسی بی مانند در تاریخ زبان و اندیشه بشر بود. خطاب و گفتمان تمدنی قرآن از روز نخست، فراتر از محدودیت های قوم و قبیله و زمان و مکان بود. این زبان، به شرحی که خواهد آمد، زبان علم و زبان علمی اسلام در قرن های آغازین و سده های شکوفایی نسبی در جامعه اسلامی شد و امروز نیز زبان بین الملل اسلامی و انسانی تواند بود. زبان قرآن، چنان که اشاره شد، تعلق به قوم عرب تعلق نداشت، همان گونه که پیامبر اکرم ﷺ خلق و خصلت های رایج اعراب را نداشت؛
- هر کتابی نیازمند معلم است و قرآن کریم، کتابی بود که از سوی خداوند متعال به معلمی به سان پیامبر اکرم ﷺ اعطا شد، تا وی آن را بر قومی امی بخواند و ایشان را تزکیه و تطهیر کند و از امیت و عصبیت، ضلال مبین و حمیت جاهلیت به درآورد. همه چیز قرآن در گرو تعلیم

صحیح آن است و شیوه درست آموزش این کتاب، تنها از دل قرآن و سیره نبوی برون می‌آید. سرعت اثرگذاری و گستره و عمق تحول‌آفرینی هیچ کتابی در طول تاریخ، به مدد همان تعلیم صحیح نبوی، به‌سان قرآن نبود. این کتاب، قومی امّی را در زمانی کوتاه از وضعیتی بسیار نازل، به درجات ترقّی و تعالی رساند. اما این کتاب، صرفاً کتاب قومی امّی نیست، بلکه چنان‌که خود بارها تصریح کرده، کتاب اولوالألباب و عالمان اهل تذکّر و تفکّر است؛

- با همه دشمنی‌هایی که در طول قرن‌ها در برابر قرآن بروز یافت، زمان به نفع زبان مستحکم آن پیش رفت و هرچه دانش بشر شکوفاتر شد و پرسش‌های وی پهن‌تر و عمق بیشتری یافتند، قرآن برای پاسخگویی در قامتی بلندتر از گذشته ظاهر شد، و گذر زمان چیزی از پرتو این زبان نکاست. قرآن امروز سیمایی رخسارتر از قرآن قرن پیشین دارد و به همین گونه، قرآن قرن پیشین، از قرآن قرن‌های پیشتر برای اولوالألباب درخشان‌تر است. قرآن از این نظر، همانند بسیاری از جهات دیگر، چونان خورشید است؛ و البته به تعبیر درست‌تر این خورشید است که به‌سان قرآن است. خورشید از دیرباز بر سر انسان‌ها می‌تابیده و مردم از آن نصیب می‌برده‌اند. هرچه زمان پیش رفته است – با وجود انواع اختراع‌های پیشرفته و جدید – قدر و قیمت خورشید به مدد رشد عقل بشر بیشتر جلوه‌گر گشته و شیوه‌های بهره‌گیری از آن نیز علمی‌تر و عمیق‌تر شده است؛

- قرآن از نخستین روزهای نزول، خاطر بسیاری از مُستمعان را به برخی جنبه‌های زبانی خود معطوف داشت. این جنبه در گذر زمان گاه چنان قوی بود که برای بسیاری، از قرآن چیزی جز زبان و فصاحت و بلاغت به همان معانی کلاسیک در نظرها نیاورد؛ به دیگر سخن، زبان قرآن در حدّ زیبایی‌های بلاغی (معانی و بیان و بدیع) باقی ماند؛ بی‌آنکه رهیافت‌های عمیقی به بطون این زبان در نظر باشد. اما در عصر حاضر که گاهی از آن به روزگارِ زبان و فلسفه زبان تعبیر شده و تلاقی زبان‌ها و اندیشه‌ها در آن بیش از گذشته‌ها در نظر قرار گرفته، زبان قرآن، در زمینه‌های فرهنگ، تمدن و اجتماع، توان و ظرفیت‌های بسیار مهم و گسترده‌تری برای عرضه و تبیین دارد. اغلب این ظرفیت‌ها مدّ نظر و محلّ توجه واقع نشده‌اند و کتاب حاضر می‌کوشد بر آنها مرور کند؛

- از زیبایی‌های بلاغی مورد اشاره در بالا و نیز از برخی ویژگی‌های دیگر قرآن، گاه با عنوان معجزه و اعجاز یاد می‌شود؛ از آنجا که این اصطلاح بحث‌برانگیز در قرآن نیامده است، کتاب حاضر از جنبه‌های اعجازی زبان قرآن سخن نمی‌گوید، بلکه آنچه هست به واقع



سخن از قرآنی است که خودِ قرآن معرفی می‌کند و عبارت از بیان و تبیان، مُبین و مُبیین، نور و هدایت، و شفا و رحمت است؛

- سخن گفتن از زبان قرآن به معنای از یاد بردن شکل مکتوب آن نیست. روشن است که یک زبان مهم جهانی، هم شکل شفاهی و هم صورت مکتوب خود را به‌طور دقیق دارد و این هر دو، هر یک به وقت خود در امر آموزش زبان به کار می‌آیند و تأثیر خود را می‌گذارند. قرآن نیز در حد اعلیٰ چنین است؛ کتابت قرآن از زمان آغاز نزول، با تأکید دقیق و محل مراقبت فرستاده خدا مواجه بود و با نوشت افزاری که به سهولت در دسترس قرار داشت، به انجام رسید. از این‌رو، جمع قرآن، توقیفی و ترتیب آیات و سوره‌های آن، همان ترتیب مورد نظر خداوند متعال و پیامبر اعظم است؛ این ترتیب، در امر آموزش زبان قرآن تأثیر دارد و برای انجام اصولی و اثرگذار این آموزش باید در جای خود لحاظ شود.

سرفصل درس و هدف‌های یادگیری

هدف کلی: آشنایی دانشجو با ماهیت زبان قرآن و تمایزها و توانایی‌های آن

هدف‌های یادگیری:

- کلیاتی اجمالی درباره مباحث مرتبط با زبان قرآن؛
- تأثیر مستقیم زبان بر دانش و اندیشه بشری؛
- زبان، به مثابه پایه و مایه فرهنگ و تمدن؛
- نگاهی به وضعیت فکری و فرهنگی جزیره العرب در زمان نزول قرآن؛
- وضعیت زبان عربی و پراکندگی لهجه‌های آن در زمان نزول قرآن؛
- زبان قرآن، نزول در محیطی بدوی با خطاب و گفتمانی جهانی؛
- تأثیر زبان قرآن بر جهان‌بینی و گشایش فکری و روحی اعراب و مسلمانان؛
- خدمت قرآن به زبان عربی و ترفیع و تقویت آن؛
- ویژگی‌های زبان قرآن از نگاه قرآن؛
- ویژگی‌های زبان قرآن از نگاه روایات پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
- زبان قرآن، به مثابه حامی ثقل اصغر و پایه اندیشه دینی؛
- زبان قرآن، تنها نمونه زبان دینی مصون از تغییر در گذر زمان؛
- امکان ارتباط‌گیری نسل‌ها و طبقات مختلف جوامع انسانی با این زبان؛
- ترابط اجزای زبان قرآن، تصدیق بعضی با بعضی دیگر؛
- تفرد و تمایزهای زبان قرآن از زبان عربی دیروز و امروز؛
- نمونه‌هایی از رهیافت‌های جدید به ظرفیت‌ها و توانایی‌های زبان قرآن در دوران معاصر.



وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَخَفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾
 فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾
 الَّذِي يَرْسُلُ جِبْنَ تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِ بَرِ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلْ أَنْتُمْ عَلَىٰ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ تَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾
 تَنْزِيلَ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَنْبِئِ ﴿٢٢٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾
 أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾
 إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾
 (شعراء، ٢١٤-٢٢٧)



فصل اول

مروری بر اوضاع شبه جزیره عربستان در عصر بعثت

اهداف آموزشی

دانشجو پس از خواندن این فصل قادر خواهد بود:

۱. قشرهای فرهنگی شبه جزیره هنگام نزول قرآن را وصف کند؛
۲. اشتباه‌های رایج در مقدار توانایی اعراب در زمینه خواندن و نوشتن را به گونه مستدل تصحیح کند؛
۳. با توجه به آیات و روایات، شیوه‌های مقابله مشرکان با نفوذ متن قرآن از سوی پیامبر و میزان توفیق ایشان را توضیح دهد؛
۴. تفاوت‌های قرآن با شعر را بیان کند.

مقدمه

قرآن کریم، حالت‌ها و اخلاقیات رایج پیش از نزول خود در جزیره العرب را با تعبیرهایی مانند «جاهلیت، اُمّیت، حمیت، ضلال مبین، علی شفا حفرة من النار»^۱ و صف کرده است؛ امیر مؤمنان علی (علیه السلام) درباره خلق و خوی ساکنان آن دیار در آن روزگار چنین گفته است:

جُفَاةُ الْجَاهِلِيَّةِ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَّهُونَ وَلَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ؛^۲ قَدْ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ وَ اسْتَرْزَلَتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ وَ اسْتَخَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ حِيَازِي فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأُمْرِ وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ؛^۳ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ.^۴

جاهلیت یک واژه مستحدث قرآنی برای نامیدن عصر پیش از نزول قرآن است. هرچند عین این لفظ تنها در سوره‌های مدنی آمده، اما شنیدنی این است که در سوره‌های مکی نیز پیامبران الهی، اعمال زشت و خلاف اخلاق قوم خود را جهالت‌ورزی خوانده‌اند؛^۵ قرآن در بیانی وسیع‌تر، نوع انسان را «ظُلُومًا جُهُولًا» (احزاب، ۷۲) می‌خواند، مگر اینکه کسی به مدد وحی و تعلیم و تربیت انبیای الهی خود را از آن مرتبه نازل دور کند و خویشتن را به درجه تزکیه و تطهیر نزدیک سازد.^۶ لفظ جاهلیت در احادیث نیز اشاره به حالت عرب قبل از اسلام و جهل ایشان به خدا، رسول و شریعت و نیز اصرارشان بر خوی تکبر، غضب و عصبیت دارد.^۷

۱. «إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ» (فتح، ۲۶).
۲. واقع بر لبه پرتگاه آتش؛ «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (آل عمران، ۱۰۳).
۳. انسان‌هایی غرق در خشکی و جفاکاری که نه تعمقی در دین داشتند و نه تفکری از خدا (شریف رضی، نهج البلاغه، ص ۲۴۰).
۴. هوا و هوس‌ها ایشان را بر زمین زد و کبر و زیاده‌خواهی ایشان را از مرتبه انسانی پایین کشید و بدترین شکل جاهلیت، ایشان را بسی سبک‌مغز ساخت و در کارهای لرزان، لغزان و بلای عظیم نادانی، سرگردان بودند (همان، ص ۱۴۰).
۵. بر بدترین کیش و در بدترین سرا (همان، ص ۶۸).
۶. برای نمونه، لوط نبی (علیه السلام) قوم خود را چنین خطاب می‌کند: «وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ * أَيْنَكُمُ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل، ۵۴-۵۵).
۷. چنان‌که نمونه‌هایی از دوری‌گزینی از آلودگی‌های جاهلیت و نزدیکی به درجات تطهیر را در میانه همین سوره می‌بینیم: «وَ قَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ اقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ اطَّعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳).
۸. ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث و الآثار، ج ۱، ص ۳۲۳؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۳۰؛ برای اطلاعات بیشتر ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۱، ص ۴۰.

شیوه زندگی و دارایی‌های ساکنان عربستان، حسرت و طمع کسی را برای تملک و تصاحب برنمی‌انگیخت؛^۱ بیشتر ساکنان جزیره همنشینان ترس و هراس بودند؛ وحشت برای ایشان نه تنها میهمان ناخوانده‌ای نبود، بلکه مفهومی بود که به نوعی آن را برای خود ترجیح می‌دادند، زیرا این مفهوم به ایشان انس و آرامش می‌بخشید؛ انسی که خود از خلوت‌گزینی در دل صحراهایی که از آنها گذر زمان، مهارت و راه‌های آمد و شد فراگرفته بودند، به دست آمده بود.^۲ ترس‌آلود بودن صحرا، اوهام جن و سختی‌های زندگی - به‌رغم بی‌آلایش بودنش - باعث شده بود که جنگ، ضمانتی برای معاش و به چنگ آوردن خواسته‌ها باشد، بلکه خود نوعی مهارت و ورزش و عادت به شمار آید که نباید فرونهاده شود و وسیله‌ای برای اثبات فخر و فضیلت به شمار رود. برای بسیاری از مردم آن روزگار، تیغ آختن و گردن افراختن، اسب تاختن و به داشته‌های دیگران دست یاختن، بسی نقدتر و شجاعانه‌تر از بر زمین تُنک نشستن و به آب اندک و محصولِ نسیه و ناچیز چشم دوختن بود. قبائل مختلف مترصد یکدیگر بودند تا در وقت مقتضی، کام خود را با هجوم و غارت روا سازند و انتقام‌های تمام ناشدنی خود را از حریفان بازستانند. مصایب دیگر همچون برادرکشی، کشتن فرزندان و زنده به گور کردن دختران، نزد برخی قبائل در کنار فقر و فساد بر فشار و دشواری کارها می‌افزود. در کنار معیشت جنگ افروزان، گروهی در جنوب، شرق و واحه‌های منطقه حجاز مانند یثرب، خیبر، طائف و وادی القری به زراعت مشغول بودند و اهل مکه نیز از راه تجارت زندگی را سامان می‌دادند و از منافع آمد و شدهای موسم حج بهره‌مند می‌شدند.

در زمان نزول قرآن، قوم را زمامداری واحد و مقتدر در میان نبود تا کار ایشان را سامان دهد و سیاست‌مداری نبود تا امرشان را نظام و قوام بخشد. گو اینکه منازعات دیرینه و پیچیده قبیله‌ای نیز چنین مجالی را نمی‌دادند، چنان‌که خدای بزرگ، بر میزان مُکنت سیاسی و نظامی و بهره‌مندی این قوم از مقوله «امنیت» چنین اشاره می‌کند:

۱. باقوری، تأثیر قرآن بر زبان عربی، ص ۲-۳. لشکرکشی ابرهه به سوی مکه نیز به دلیل خصوصیت اقلیم و مردمان آن دیار و به دست آوردن محصولات و گنجینه‌های قصرهای آن شهر نبود، بلکه علت لشکرکشی، وجود بیت الهی در زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بود. ابرهه درصدد بود خدمتی به نجاشی پادشاه کند و حجّ عرب را به سوی عبادتگاهی بگرداند که خود، آن را در صنعا بنا کرده بود (ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۵).

۲. شوقی ضیف، تاریخ الأدب العربی: العصر الجاهلی، ج ۱، ص ۷۸-۷۹.

«وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ» (انفال، ۲۶).^۱

همچنان‌که اوضاع سرزمین‌های متمدن مجاور، یعنی ایران و روم نیز چندان نکو نبود و از حیث عقیده و جهان‌بینی و امر دستگاه دیانت و متولیان دین، به آفات شرک آلوده و به وهن و تباهی گراییده بود؛ تمدن‌هایی بزرگ که در عین عظمت و شکوه ظاهری، از روح الهی و انسانی تهی شده، برای ریزش و فروپاشی آمادگی می‌یافتند.

مکه، شهری تجاری و محل آمد و شد کاروانیان و زائران خانه خدا بود؛ زائرانی که از زمان حضرت ابراهیم علیه السلام آهنگ این خانه می‌کردند؛ خانه‌ای که یادگاری ماندگار از دعوت توحیدی ابراهیم خلیل بود؛ دعوتی که رنگ و رونق خود را از دست داده بود و نیاز به دعوتی جدید و جهانی سخت احساس می‌شد. بازرگانان نیز در رفت و آمدهای زمستانه و تابستانه خود، یا همان «رِحْلَةُ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ» (قریش، ۲) میان شمال و جنوب این سرزمین راه می‌سپردند.

در باب اوضاع فرهنگی شهر مکه، دو غلط مشهور، اساس برخی داوری‌ها قرار گرفته‌اند که تصحیح آن لازم می‌نماید. اشتباه اول، آن است که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله، نوشت‌افزار معمولی (کاغذ) وجود نداشته، یا اینکه انواع نوشت‌افزارهای مناسب دیگر مانند قرطاس، ورق، تحریر، قماش و کاغذهای نرم و صاف که در مناطق مجاور عربستان استفاده می‌شده، در اختیار مسلمانان نبوده است. اشتباه مشهور دیگر، رواج نداشتن خواندن و نوشتن در مکه و مدینه است.

حق این است که هیچ یک از این نظریات مشهور، پایه محکمی ندارد. جواد علی، طی فصل‌های ۱۲۳ تا ۱۲۵ کتاب خود ذیل عناوین مربوط به کتابت و تدوین، دراسة و تدریس، کُتَاب و علما، تصریح می‌کند که درباره موجود و معروف بودن کتابت و تدوین قبل از اسلام به دلیل وجود هزاران نبشته‌ای که از آن روزگاران بر جای مانده، هیچ اختلافی وجود ندارد. نکته شاخص‌تر در سخن او این است که این نبشته‌ها به لهجه‌های عربی متنوع نوشته شده‌اند و هیچ کدام لهجه و سبک قرآن را ندارد.^۲

این نکته، امروز روشن شده است که خط عربی ده‌ها سال پیش از بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از خط‌های معمول میان اعراب شام و یمن گرفته شده و به عربستان آمده است. همچنین، این نکته

۱. ر.ک: عامری، الإعلام بمناقب الإسلام، ص ۱۷۵-۱۷۷؛ تحلیل بیشتر در این باب، ر.ک: شهیدی، تاریخ تحلیلی اسلام، ص ۱-۲۵.

۲. ر.ک: علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، ج ۸، ص ۲۴۸-۳۳۵.

نیز ثابت است که خط در شام، یمن، حجاز و عراق رواج داشته و حتی بیابان نشینان نیز به کلی از توان خواندن و نوشتن محروم نبوده‌اند. از این رو، افسانه‌های منقول در برخی کتاب‌های عربی مانند العقد الفرید^۱ درباره پیدایش خط عربی و رسیدن آن به حجاز و رواج نیافتن آن و نیز انگشت‌شمار بودن افراد خوانا و نویسا، دیگر جایگاه درستی ندارند. کائناتی^۲ در کتاب تاریخ اسلام، در فصل پیدایش خط عربی و گسترش آن، با استناد به تحقیقات و کشفیات باستان‌شناسی، حق این مطلب را ادا کرده است.

آری، از یک سو، تکیه بر حافظه برای خواندن قصیده‌های طولانی و ذکر انساب و ایام عرب، یک مهارت و توانایی محسوب می‌شد؛ از سوی دیگر نوشتن نمی‌توانست وسیله معاش و مکانت مهمی در میان قوم محسوب شود. درست است که تکیه بر نوشته برای خواندن قصیده‌ها و نقل انساب و ایام و خوانا و نویسا بودن، مهارتی را رقم نمی‌زد، اما اینکه کسی از مردم با این مهارت آشنا نبود، سخن صحیحی نیست.

سرزمین عربستان و شهرهای مکه و مدینه، محیط‌هایی بازرگانی داشتند و با سرزمین‌های پیشرفته مجاور خود، همانند امپراتوری ایران در شمال شرق، روم در شمال و قبط یا مصر در غرب، در ارتباط بودند. مکه به طور ویژه، نقطه اتصال و حلقه ارتباط میان نواحی مختلف جزیره العرب و دیگر ممالک بود. بازارهایی در این شهر تشکیل می‌شدند که تازیان از نواحی مختلف با اهداف گوناگون به آنها روی می‌آوردند و معمولاً با خط، خواندن و نوشتن آشنایی داشتند. آیات متعددی در قرآن نیز به مسافرت‌های مختلف مردم مکه به یمن و شام اشاره کرده‌اند.^۳ یمن، مرکز تمدن عربی در جزیره العرب به شمار می‌رفت و شام نیز مرکز تجمع

۱. ابن عبد ربّه، العقد الفرید، ج ۳، ص ۲۰۲؛ در این زمینه همچنین ر. ک: بلاذری، فتوح البلدان، ج ۳، ص ۵۸۰؛ بلاذری در کتاب اخیر تعبیری از واقعی نقل می‌کند که حاوی اشاره به تعدد افراد باسواد در میان قریش است، به طوری که شمار این افراد با احتساب افراد قبائل دیگر می‌تواند فزونی یابد: «دخل الإسلام و فی قریش سبعة عشر رجلاً كلهم یكتب: عمر بن الخطاب و علی بن ابی طالب و عثمان بن عفان و ابو عبیده الجراح و طلحة و یزید بن ابی سفیان و [...]».

۲. Leone Caetani (۱۸۶۹-۱۹۳۵)، تاریخ نگار ایتالیایی و صاحب پژوهش‌هایی درباره تاریخ عرب و اسلام از جمله تاریخ اسلام Annali dell'Islam در ده جلد است.

۳. «لایلاف قریش * یلا فیهم رحلة الشتاء و الصيف» (قریش، ۱-۲) و نیز «وَ اِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَیْهِمْ مُصْبِحَیْنَ * وَ بِاللَّیْلِ اَفْلا تَعْقِلُوْنَ» (صافات، ۱۳۷-۱۳۸).